



برداشتی از حکایت‌های مثنوی

شکایت استر به شتر

ناهید نوربخش

کارشناس ارشد

مدیریت آموزشی

ونکوور کانادا

گفت استر با شتر، گای خوش رفیق

در فراز و شیب و در راه دقیق

تونه آبی در سر و خوش می‌روی

من همی آیم به سر در، چون غوی

من همی افتم به رو، در هر دمی

خواه در خشکی و خواه اندر نمی

این سبب را با از گویا من که چیست

تا بدانم من که چون باید بزیست

گفت چشم من ز تو روشن ترست

بعد از آن هم از بلندی ناظرست

چون برآیم بر سر کوهی بلند

آخر عقبه بینم، هوشمند

پس همه پستی و بالایی راه

دیده‌ام را و امید هم اله

هر قدم را از سر بینش نهم

از عثار و اوفتادن و زهم

تو بینی پیش خود یک دوسه گام

دانه بینی و نبینی رنج دام

یستوی الاعمی لدیکم و البصیر

فی المقام و النزول و المسیر

در این حکایت مولانا گفت و گوی دو دوست را نقل می‌کند. در این گفت‌وگو قاطر به دوست خود شتر شکایت کرده و می‌گوید: ای رفیق! چگونه است که من در هر فراز و فرودی و حتی هر راه همواری و نیز در هر راه خشک یا تری، همیشه زمین می‌خورم ولی تو زمین نمی‌خوری و به راحتی راه می‌روی؟ سبب این امر چیست؟ به من بگو چه باید بکنم و راه درست زندگی کردن را به من بیاموز.

شتر در پاسخ دوستش می گوید: این امر دوعلت دارد. اول این که من چشم‌های روشن‌تر و دوربین‌تری نسبت به تو دارم و دیگر این که من قد و قامت بلندتری دارم و چون همه چیز را از بلندی می‌نگرم، وقتی به سر کوه می‌رسم، آخر و عاقبت مسیرم را با همه‌ی پستی و بلندی‌هایش هوشمندانه می‌بینم و خدوند هم در این مسیر مرا یاری نموده و دیدگاه را هم باز می‌نماید. من هر گامی را که برمی‌دارم با بینش و آگاهی همراه است و این مرا از لغزیدن و سقوط وامی‌دارد. در حالی که تو فقط دو یا سه قدم جلوتر از خود را می‌بینی و مانند پرنده‌ای هستی که تنها دانه را می‌بیند ولی دام را نمی‌بیند. آیا نابینا و بینا در مسیر و راه رسیدن به محل امن و سر منزل مقصود یکسانند؟

مولانا در این حکایت زیبا، با معرفی استر به عنوان نمادی از انسان‌های ظاهر بین و کوتاه‌فکر و شتر به عنوان نمادی از انسان‌های آگاه و دوراندیش، به نکاتی ظریف و پندآموز اشاره می‌کند:

- در مسیر پرتلاطم زندگی، آگاهی و شناخت نقش بسزایی در برنامه‌ریزی آگاهانه و گام نهادن در مسیر موفقیت دارد.

- شناخت چالش‌ها و سختی‌های پیش رو، ما را در انتخاب مسیر درست زندگی و مواجهه هوشمندانه با این چالش‌های یاری می‌کند.

- گاهی ظواهر، زرق و برق و دلخوشی‌های زودگذر دنیا ما را از خطرات جدی که موجب سقوط و هلاکت ما می‌شود، غافل می‌کنند؛ به مانند پرنده‌ای که مجذوب دانه‌هایی می‌شود که صیاد برایش پاشیده و از دامی که برایش گسترده است، غافل می‌شود.

- دوراندیشی و آینده‌نگری یکی از موزموفیت انسان‌های موفق می‌باشد؛ چرا که آن‌ها به جای بررسی وقایع از روزنه‌ای کوچک و تنگ و تاریک، از افقی فراتر به همه چیز می‌نگرند و با استفاده از عقل و درایت و تجزیه و تحلیل رویدادها، با دیدی آینده‌نگرانه مسیر خود را برمی‌گزینند.

- یاری و هدایت الهی نقش تعیین‌کننده‌ای در بالا رفتن بینش و بصیرت انسان‌ها دارد. لازم به ذکر است که این یاری را کسانی جذب می‌کنند که از نیروی عقل و اندیشه‌ای که به عنوان نعمت به آن‌ها ارزانی شده است، کمال استفاده را کرده و شایستگی جذب این یاری و استحقاق این بصیرت را داشته باشند.

- در پایان، طرح این سوال که (آیا نابینا و بینا در رسیدن به مقصد یکسانند؟)، تأکیدی است بر این نکته که عدم بصیرت، آگاهی و دوراندیشی انسان را از مسیر درست دور کرده و به ورطه‌ی سقوط و هلاکت می‌اندازد. ظاهر بینی و غرق شدن در تمایلات دنیایی، انسان‌ها را نابینا و دچار سقوط اخلاقی می‌کند، در حالی که آگاهی و دوراندیشی موجب بینایی انسان و باز شدن افق‌های روشن زندگی و طی مسیر کمال با کمک و یاری خدوند می‌شود.